

چرا محمدرضا رحیمی سر از زندان اوین درآورد؟ احمد هاشمی

منبع: گویا نیوز

«ارسال به فیس بوک» «ارسال به توییتر»



محکومیت رحیمی ارتباط چندانی به فساد مالی او ندارد و در قافله دزدان جمهوری اسلامی، او تنها و نخستین دزدی نیست که باید محاکمه و همه کاسه کوزه ها بر سرش شکسته شود، چرا که: "گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند"

محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور سابق، به اتهام اختلاس و فساد مالی و برای تحمل حکم پنج ساله خود، روانه زندان اوین شد.

خبر کوتاه بود ولی سوالات زیادی در خصوص این حکم وجود دارد، از جمله اینکه آیا نظام قضایی جمهوری اسلامی تا این حد شفافیت و استقلال عمل دارد که حتی می تواند سران نظام را هم به اتهام فساد و اختلاس تحت پیگرد قرار دهد؟ در این صورت، آیا این فقط رحیمی است که به فساد مالی آلوده شده و دیگر مقامات ارشد جمهوری اسلامی حسابشان پاک است؟ و نهایتاً، اگر چنین قاطعیتی در برخورد با مجرمان اقتصادی وجود دارد پس چرا شاهد فساد مالی و اختلاس های گسترده و میلیاردی در کشور هستیم؟

برای پاسخ به این سوال ها شاید بتوان از دریچه ارزش های رایج در کشور، به موضوع نگاه کرد. چه، در انقلاب ۵۷ شاهد وارونه شدن گفتمان ها، ارزش ها و روندهای رایج هستیم، به این معنا که بسیاری از ضد ارزش ها جای خود را به ارزش ها دادند و متقابلاً، برخی ارزش ها تبدیل به ضد ارزش شدند.

یکی از آموزه های غلط در نظام آموزشی و ارزشی جمهوری اسلامی، خوب و ارزشمند تلقی کردن فقر، قناعت و محرومیت؛ و بد و ضد ارزش شمردن رفاه، سرمایه داری و بهروزی است. شاید بتوان از این منظر به غائله ای پرداخت که به محکومیت محمدرضا رحیمی منجر شد.

از خوابیدن بر روی حصیر تا ژنده پوشی آقای رئیس

جمهوری اسلامی مروج نظام ارزشی وارونه ای می باشد و علمای سنتی شیعه هم، در سخنرانی های خود، ریاضت، محرومیت و سختی کشیدن را یک فضیلت و کفاره ای برای آمرزش گناهان دنیوی در آخرت به حساب می آورند. نگارنده این سطور به عنوان جوانی متولد و بزرگ شده شهر قم، به خوبی به یاد دارد که در سال های نوجوانی، مانند اکثر هم سن و سال های خود برای پر کردن اوقات فراغت و به علت کمبود امکانات فرهنگی و گزینه های دیگر!، به مسجد محل می رفت که در آنجا، "شیخ عبدالحسین بندانی نیشابوری"، امام جماعت مسجد م*نتظرالمهدی (که حالا مبلغ و

تئوریسین دولتی مبارزه با وهابیت و گروه های تکفیری شده) همیشه روایت هایی از ساده زیستی علما را تعریف می کرد. بطور مثال او روی حصیر خوابیدن (بجای تخت خواب) و سنگ زیر سر گذاشتن (بجای بالش) و خوردن نان و ماست را به عنوان سیره علمای شیعه از قبیل شیخ صدوق، علامه مجلسی و شیخ کلینی برمی شمرد.

در همین راستا، مشاهده می کنیم برخی مسئولان جمهوری اسلامی، لباس های مندرس بر تن می کرده و از تجمل و شیک پوشی احتراز می کنند. بطور مثال، در سال ۱۳۷۸ در یک همایش در تالار شیخ انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که توسط انجمن اسلامی دانشکده برگزار شد و اینجانب هم یکی از دست اندرکاران آن بودم، علیرضا محبوب، رئیس خانه کارگر، به عنوان یکی از سخنرانان شرکت داشت. او برای عوام فریبی و برای اینکه نشان دهد درد طبقه فقیر و کارگر را می فهمد با کت و شلوار رنگ و رو رفته و کثیف (احتمالا آلوده به روغن و گریس)، به این همایش آمده بود. وقتی در پایان مراسم، به شوخی طعنه ای به نوع لباس پوشیدن او زدم مرا تهدید و متهم به اشرافی گری و طرفداری از طاغوت کرد!

عمارت بزرگ مرتضی مطهری، دم خروس یا قسم حضرت عباس با وجود تبلیغ ساده زیستی برای مردم، در اینکه دولتمردان جمهوری اسلامی تا چه حد به آموزه های خود از قبیل قناعت پیشگی، سنگ بستن به شکم برای مقابله با گرسنگی، خوردن نان و ماست و آبدوغ خیار وفادار هستند تردیدهای زیادی وجود دارد.

بطور مثال، بیاد دارم وقتی برای نخستین بار در قالب یک اردوی مدرسه از قم عازم تهران شدیم تا از آرامگاه پرزرق و برق بنیانگذار جمهوری اسلامی و چند بنای دیگر بازدید کنیم، بوژه پس از بازدید از عمارت بزرگ مرتضی مطهری در قلعهک (که الان بخشی از آن تبدیل به موزه شده است) تمام ساختار ذهنی ام بهم ریخت. جالب اینکه همسر آقای مطهری با آب و تاب تعریف می کرد او یک بار در دوران حیاتش، یک دانشجوی فقیر را به مدت یک هفته در یکی از اتاق های این خانه عریض و طویل پناه داده بود!

رحیمی، از ساختمان سفید تا زندان اوین

در دولت محمود احمدی نژاد، سه فرد قدرتمند وجود داشتند که او بدون مشورت با این سه نفر کمتر دست به کاری می زد: مجتبی ثمره هاشمی، محمدرضا رحیمی و اسفندیار رحیم مشایی. اینجانب هم به واسطه کارم به عنوان مترجم مقامات، کم و بیش با این مثلث سه نفره ارتباط داشتم.

رحیمی رفیق باز بود و در جلساتی که به عنوان مترجم حضور داشتم شاهد بودم او عنایت ویژه ای به همشهری های خود که از ترک های استان کردستان بودند داشت. او توجه خاصی به حمایت از سیستم بازار آزاد داشت و با برگزاری جلسات اقتصادی با حضور شرکت های ایرانی و شرکت های برتر خارجی از قبیل هیوندای و سامسونگ، به گسترش تجارت و فضای کسب و کار (البته بطور گزینشی و رابطه محورانه) کمک می کرد.

رحیمی در بهترین ساختمان ریاست جمهوری یعنی عمارت موسوم به "ساختمان سفید" مستقر بود. او شیک پوش بود و برخلاف بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی، به مبادی آداب دیپلماتیک آشنایی داشت. رحیمی کفش های همیشه واکس زده و کت و شلوارهای فاخر به تن داشت و این منش، با آموزه های رسمی جمهوری اسلامی یعنی ژنده پوشی، تظاهر به فقر و محرومیت و ضدیت با سرمایه داری، مغایر بود.

پس از کنار رفتن احمدی نژاد که زمانی نظرش به نظر رهبر نزدیک تر بود و مغضوب واقع شدن تیم اجرایی او، رحیمی

و رحیم مشایی هم هدف قرار گرفتند ولی ثمره هاشمی با هیچ مشکل و اتهامی روبرو نیست چرا که او یک اصل طلایی نظام یعنی تظاهر به فقر، ساده زیستی و ژنده پوشی را سرلوحه کار خود قرار داده و در دوران مسئولیت خود، یک ساختمان قدیمی در نهاد ریاست جمهوری را دفتر کار خود اعلام کرده بود. یکی از افتخارات ثمره هاشمی این بود که در تمام طول دوران مسئولیت خود در دولت احمدی نژاد، فقط یک دست کت و شلوار به تن داشته است. ولی او همان فردی است که اطرافیان و خویشاوندان خود را در بسیاری از وزارتخانه ها مستقر کرد و ید طولایی در حیف و میل کردن منابع مالی و دولتی داشت.

بنابراین، به نظر می رسد مشکل رحیمی از دو چیز سرچشمه می گیرد: یک- نزاع قدرت و رقابت های درونی در بین حاکمیت و دو- طرفداری او از فضای کسب و کار. بقول حضرت حافظ "عیب می جمله چو گفתי هنرش نیز بگو" و بر این اساس باید گفت با وجود فساد مالی گسترده و همه نقاط تاریک زندگی شخصی و سیاسی رحیمی، او دستکم دارای یک ویژگی مثبت بود که برایش درس ساز شد: مبارزه با روحیه گداپروری و حمایت از ثروت، تولید و سرمایه. بنابراین، محکومیت رحیمی ارتباط چندانی به فساد مالی او ندارد و در قافله دزدان جمهوری اسلامی، او تنها و نخستین دزدی نیست که باید محاکمه و همه کاسه کوزه ها بر سرش شکسته شود، چرا که: "گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند."

احمد هاشمی

کارمند پیشین وزارت خارجه

وبلاگ نویسنده: <http://ahmaddhashemi.blogspot.com>

<http://ahmaddhashemi.blogspot.com/2015/02/rahimi.html>

<http://news.gooya.com/politics/archives/2015/02/193144.php>

<https://farsi.alarabiya.net/fa/views/2015/02/17/%D8%A7-%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B6%D8%A7-%D8%B1%D8%AD%D9%8A%D9%85%D8%B3%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%88%D9%8A%D9%86-%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%88%D8%B1%D8%AF%D8%9F-.html>

<https://www.tribunezamanah.com/archives/69137>